

وقتی مامان سر کار می‌رود، من توی خانه تنها می‌مانم.
از تنهایی، حوصله‌ام سر می‌رود.
چند بار از یک تا ده می‌شمارم.
با اسباب‌بازی‌هایم بازی می‌کنم.
از پشت پنجره، برای گربه‌ها میوم می‌کنم.
اما تنهای‌ام طول می‌شود. از تنهایی خسته می‌شوم.
خدایا! ای خدایی که بخشاینده هستی...
به من تحمّل ببخش تا به تنهایی عادت کنم.

یا رحمان

ای بخشاینده

